

مدیریت ورزشی _ تابستان ۱۳۸۸

شماره ۱ - ص ۱۰۰ - ۸۳

تاریخ دریافت: ۱۱ / ۱۲ / ۸۶

تاریخ تصویب: ۰۹ / ۰۲ / ۸۷

بررسی و تحلیل مسائل و مشکلات مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیت های ورزشی (مطالعه موردی: دختران دانشجوی دانشگاه یزد)

سیدحبيب اله ميرغفوري^۱ _ حسين صيادي تورانلو _ سيد حيدر ميرفخرالديني
عضو هیأت علمی دانشگاه یزد و رئیس دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری دانشگاه یزد _ دانشجوی دکتری
مدیریت دانشگاه تربیت مدرس _ عضو هیأت علمی و مدیر گروه مدیریت صنعتی دانشگاه یزد

چکیده

امروزه نقش زنان در فعالیت های اجتماعی در جامعه ایران پررنگ تر از گذشته شده است. اما با وجود سیر فزاینده حضور زنان در عرصه های اجتماعی، مشارکت و حضور آنان در فعالیت های ورزشی محدود است. با توجه به نقش محوری ورزشی در سلامت زنان به عنوان مادران جامعه و به تبع آن سلامت فرزندان، این موضوع باید بررسی و زمینه های حضور پررنگ تر آنان در عرصه های ورزشی فراهم شود. لذا در این تحقیق با بررسی مطالعات مشابه و استفاده از دیدگاه های صاحب نظران با روش دلفی، موانع مؤثر بر مشارکت کمتر زنان در ورزش در پنج بعد اجتماعی، فرهنگی، شخصی، خانوادگی و امکاناتی - اقتصادی شناسایی شد و با استفاده از روش های استنباط آماری تأثیرگذاری این موانع مورد تایید قرار گرفت. با توجه به گستردگی جامعه زنان، این تحقیق در جامعه دانشجویان دختر دانشگاه یزد انجام شد. در پایان نیز برای رفع این موانع پیشنهادهایی بر اساس تحلیل های انجام شده ارائه شده است.

واژه های کلیدی

زنان، ورزش زنان، موانع، روش دلفی، روش های آماری.

مقدمه

در عصر حاضر، ورزش به عنوان ابزاری چند بعدی در حوزه های مختلف تاثیرات گسترده ای به جا می گذارد. امروزه ورزش در سلامت افراد، گذراندن اوقات فراغت سالم و با نشاط و لذت بخش، آموزش و پرورش به ویژه در نسل نوجوان، ایجاد روابط اجتماعی سالم در جامعه، پیشگیری از ابتلا به بیماری ها، پیشگیری از بسیاری از مفاسد اجتماعی و انحرافات اخلاقی نقش خود را متجلی ساخته است.

ورزش یکی از راه هایی است که افراد می توانند به کمک آن بر فشارهای جسمی، روحی، روانی و اجتماعی ناشی از زندگی در دنیای متلاطم و پرتنش امروزی فایق آیند. تحقیقات نشان داده اند، اشخاصی که به طور منظم به ورزش می پردازند، کمتر از دیگران دچار ناراحتی های قلبی و عروقی می شوند، فشارهای عصبی کمتری را تحمل می کنند و از اعتماد به نفس بیشتری برخوردارند، این افراد همچنین به زندگی خوشبین ترند و کمتر دچار افسردگی می شوند ((۲، ۱۰، ۲۲).

در حقیقت امروزه انگیزه مردم دنیا از شرکت در فعالیت ورزشی، رسیدن به درجات بالا و دست یابی به شعار المپیک (سریع تر، بالاتر و قوی تر) نیست، بلکه کسب سلامت، تندرستی، نشاط، روابط اجتماعی و دوری از بیماری ها، علل مهم شرکت در ورزش است ((۳، ۷، ۴).

به همین دلیل امروزه در فرانسه ۱۵ میلیون نفر در فعالیت های ورزشی سازمان یافته شرکت می کنند که تعداد افراد ۶ تا ۱۴ ساله آن ها حدود ۶/۵ میلیون نفر است ((۲۶). توجه مردم آلمان به ورزش موجب شده است تعداد افرادی که در سال ۱۹۵۲ به ورزش می پرداختند، یعنی ۶/۷ درصد کل جمعیت این کشور به ۲۸/۵ درصد در سال ۲۰۰۰ برسد ((۲۷، ۲۸).

ورزش زنان، امروزه به عنوان یکی از موضوعات اساسی در حیطه ورزش مطرح است. این مسئله به دلیل ویژگی جسمانی زنان است. تحقیقات نشان داده است که پرداختن به ورزش و فعالیت های بدنی در زنان، تاثیر عمیقی بر دوران بارداری، شیردهی و همچنین سلامتی در دوران کهنسالی خواهد گذاشت. با وجود نقش مهم ورزش در سلامت زنان، هنوز جامعه ایران به اهمیت و ضرورت ورزش در بین دختران که مادران آینده جامعه محسوب می شوند و سلامت افراد جامعه آینده در گرو سلامتی آنان است، پی نبرده است. به عبارت دیگر، عدم تحرک جسمانی دختران و بانوان یعنی محروم شدن بخش مهم جامعه از سلامتی و بهداشت جسمانی و روانی، شادابی و کارایی لازم که بی شک لطمه های جبران ناپذیری برای کل جامعه به دنبال خواهد داشت. بنابراین ضرورت دارد تا مسئولان امر شرایط و زمینه های لازم را برای حضور بیشتر و فعالانه زنان در عرصه ورزش فراهم سازند. در این راستا باید با بررسی های اولیه، مسائل و مشکلات موجود در این راه شناسایی و با رفع این موانع گام مؤثری در ارتقای سطح ورزش زنان برداشته شود.

این پژوهش در صدد است تا موانع مؤثر بر حضور زنان ایران را در عرصه های ورزشی شناسایی کند و راهکارهای رفع این موانع را ارائه دهد. با توجه به گستردگی جامعه زنان، این تحقیق به صورت موردی در جامعه دانشجویان دختر دانشگاه یزد انجام شد.

چارچوب نظری

همان طور که در بیست سال گذشته، موقعیت زنان در نقش های اجتماعی به سرعت تغییر یافته، تحقیقات زیادی هم در زمینه فعالیت های ورزشی آنان در اوقات فراغت و عوامل بازدارنده این فعالیت ها صورت گرفته است (۱۱). نتایج این تحقیقات نشان می دهد که زنان به طور فزاینده ای به فعالیت های ورزشی به منظور کسب سلامتی، اندامی متناسب و مشارکت های اجرایی رو آورده اند (۲۰). اما با وجود این سیر فزاینده هنوز حضور زنان در ورزش کم رنگ است. شایان ذکر است که این خود معلول علل مختلفی است که از هر کشور به کشور دیگر متفاوت است. در زمینه شناسایی عوامل بازدارنده مشارکت زنان در ورزش، تحقیقات متعددی در داخل و خارج انجام گرفته که برخی از آنها به شرح زیر است.

از سال ۱۹۷۰ به بعد، در زمینه بررسی و شناخت عوامل بازدارنده فعالیت های ورزشی و تفریحی، تحقیقاتی در خارج از کشور انجام شد و پژوهشگران، طرح های تحقیقاتی زیادی ارائه دادند و به اجرا در آوردند که در همه آن ها، موانع شخصی و اجتماعی موجود برای مشارکت زنان در فعالیت های ورزشی و تفریح بررسی می شود (۱۵، ۱۴، ۲۱).

رومزا و هوفمان ، احسانی، هندرسون و همکارانش در پژوهش های خود نشان دادند که کمبود وقت، عدم علاقه، کمبود امکانات و سرمایه، موانعی برای حضور زنان در فعالیت های تفریحی و بدنی اند (۲۹، ۱۶، ۲۱).

سرلی و جکسو ، احسانی و همکارانش ، مهدی پور و عتیقه چی در بررسی عوامل بازدارنده مشارکت زنان در فعالیت های ورزشی، نشان دادند که زنان برای مشارکت در فعالیت های ورزشی، با موانع بیشتری نسبت به مردان مواجه اند. آنها علل حضور نیافتن زنان در فعالیت های ورزشی را چنین ذکر کردند : نداشتن همراه برای مشارکت در فعالیت های ورزشی، تعهدات خانوادگی، کمی اطلاعات، خجالتی بودن، کمبود وسایل نقلیه و ناتوانی جسمی (۳۲، ۱۷، ۸، ۹). احسانی و همکارانش، هندرسون و همکارانش، نشان دادند، یکی از علل بازدارنده فعالیت های ورزشی، اطلاع رسانی ناکافی به افراد است، زیرا آنها از سرویس های ارائه شده و از وجود خدماتی برای فعالیت های ورزشی ناآگاهند (۱۷، ۲۱).

1 - Romsa and Hofman

2 - Searle and Jackson

رومزا و هوفمان، دیم و احسانی نشان دادند که عوامل مهارت و سلامتی، برای شرکت در فعالیت های ورزشی نقش بسزایی دارد، به طوری که ناتوانی آنها در مهارت و سلامتی، مانع شرکت در این فعالیت ها خواهد شد (۲۹، ۱۴، ۱۶).

نتایج دیگر تحقیقات در ایران نشان دادند که کمبود علاقه، کمبود وقت، نداشتن انگیزه لازم، نبودن برنامه ریزی صحیح در دانشگاه، نداشتن دسترسی به سالن های ورزشی، کمبود و گرانی وسایل ورزشی، محدودیت های اجتماعی و فرهنگی و مخالف والدین، از عوامل مشارکت نداشتن فعال دانش آموزان و دانشجویان دختر در فعالیت های ورزشی است (۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱۸).

نتایج تحقیق در مورد فعالیت های فیزیکی زنان شاغل در دانشگاه در سه حیطه شغلی، خانه داری و اوقات فراغت، نشان داد که زنان از ۹/۱ ساعت فعالیت های فیزیکی اوقات فراغت، فقط ۲/۵ ساعت در هفته فعالیت های ورزشی دارند. همچنین مشخص شد که وضعیت فعالیت های ورزشی زنان شاغل فقط با سطح تحصیلات و نوع شغل، ارتباط معنی دار آماری دارد، به طوری که درصد فعال بودن زنان با تحصیلات دانشگاهی و همچنین زنان شاغل هیأت علمی بیشتر بود (۹).

نتایج تحقیق دیگری که در زمینه بررسی عوامل بازدارنده مشارکت فعالیت های ورزشی دختران دانشجوی، نشان داد دانشجویانی که در فعالیت های ورزشی شرکت نمی کنند، تاثیر عوامل بازدارنده، مثل وسیله نقلیه، روابط اجتماعی، ناآگاهی، مهارت و سلامت را بیش از دیگر عوامل می دانند. (۱).

برخی از تحقیقات نیز با تاکید بر عوامل مؤثر بر ایجاد انگیزه در زنان برای مشارکت در فعالیت های ورزشی انجام گرفته که بعضی از این عوامل به شرح زیرند:

حمایت والدین، اعضای خانواده، همسر، همسالان و دوستان (۱۹، ۲۳، ۳۱، ۳۴، ۴۵)؛

تحصیلات و موقعیت های شغلی بانوان (۳۳)؛

معلمان و استادان، مراکز آموزشی و رادیو و تلویزیون (۱۳، ۲۴، ۳۶)؛

حمایت اجتماعی زنان، به ویژه حمایت خانواده (۱۲، ۲۵، ۳۰).

روش تحقیق

روش این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است که به روش میدانی و با استفاده از روش پرسشنامه انجام شده است. برای طراحی پرسشنامه پژوهش، ابتدا با بررسی کتابخانه ای پیشینه پژوهش، موانع مؤثر بر ورزش دختران دانشجوی، شناسایی شد. سپس برای تکمیل این موانع پرسشنامه ای بر اساس مفهوم پایه ای دلفی طراحی و میان کارشناسان که استادان دانشگاه یزد بودند، توزیع شد. سرانجام با بررسی دیدگاه های کارشناسان و صاحب نظران موانع اولیه مؤثر بر دختران دانشجوی، چنانکه در جدول ۱ آمده است، به دست آمد که مبنای تهیه پرسشنامه پژوهش قرار گرفت.

فرضیه های پژوهشی

بر اساس جدول موانع اولیه مؤثر بر ورزش دختران دانشجوی، فرضیه های پژوهشی چنین است :

فرضیه ۱-۱ موانع اجتماعی بر عدم گرایش دختران دانشجوی به ورزش مؤثر است؛

فرضیه ۲-۲ موانع فرهنگی بر عدم گرایش دختران دانشجوی به ورزش مؤثر است؛

فرضیه ۳-۳ موانع خانوادگی بر عدم گرایش دختران دانشجوی به ورزش مؤثر است؛

فرضیه ۴-۴ موانع شخصی بر عدم گرایش دختران دانشجوی به ورزش مؤثر است؛

فرضیه ۵-۵ موانع امکاناتی و اقتصادی بر عدم گرایش دختران دانشجوی به ورزش مؤثر است؛

فرضیه ۶-۶ تفاوت میزان تأثیر پنج دسته از موانع مؤثر ورزش دختران دانشجوی، معنادار نیست.

گردآوری داده ها

ابزار گردآوری داده ها و روایی^۱ و پایایی^۲ آن

داده های مورد نیاز برای آزمون فرضیه های پژوهشی با پرسشنامه ای گردآوری شد. پرسشنامه مذکور مبتنی بر ۶ قسمت و شامل ۳۳ پرسش درباره تأثیر موانع مؤثر بر ورزش دختران دانشجوی بود.

1 - Validity

2 - Reliability

از آنجا که پرسشنامه مذکور بر پایه موانع شناسایی شده در پیشینه پژوهش و دیدگاه صاحب نظران و کارشناسان فراهم شده است، بنابراین روایی پرسشنامه خود به خود تایید می‌شود.

برای محاسبه ضریب پایایی، شیوه‌های مختلفی به کار برده می‌شود که از آن جمله می‌توان به روش «آلفای کرونباخ»^۱ به کمک نرم افزار SPSS اشاره کرد. که مقدار α هر چه به ۱۰۰٪ نزدیک تر باشد، بیانگر قابلیت اعتماد بیشتر پرسشنامه است. در این تحقیق برای تعیین پایایی پرسشنامه از این آزمون استفاده شد که با توجه به ضریب ۰/۸۵ پایایی پرسشنامه تایید می‌شود.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان دختر دانشگاه یزد می‌شود که در زمان مطالعه تعداد آنها برابر با ۴۲۳۸ نفر بود. برای تعیین حجم نمونه از فرمول زیر استفاده شد (مقدار انحراف معیار بر اساس یک نمونه گیری مقدماتی ۵۰ تایی به دست آمده):

$$n = \frac{N \times Z_{\alpha/2}^2 \times \delta^2}{\epsilon^2 (N-1) + Z_{\alpha/2}^2 \times \delta^2} \Rightarrow n = \frac{4238 \times (1.96)^2 \times 0.369^2}{0.05^2 (4237) + (1.96)^2 \times 0.369^2} = 200$$

با توجه به دستور برآورد حجم نمونه، شمار آماری ۲۰۰ نفر به دست آمد و بدین سان ۲۰۰ پرسشنامه به طور تصادفی بین دانشجویان دختر توزیع و از این تعداد، ۱۲۴ مورد جمع آوری شد (نرخ بازگشتی ۰/۶۲).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱. جدول اولیه موانع مؤثر بر ورزش دختران دانشجو

مؤلفه های اصلی	مؤلفه های فرعی
موانع اجتماعی	مؤلفه ۱: عدم اطلاع رسانی به زنان در مورد ورزش
	مؤلفه ۲: عدم حمایت دوستان و همراهی آنان در مشارکت در فعالیت های ورزشی
	مؤلفه ۳: عدم حمایت مراکز آموزشی همانند دانشگاه از مسائل ورزشی
	مؤلفه ۴: عدم حمایت رسانه های جمعی از ورزش زنان و تبلیغات لازم در این زمینه
	مؤلفه ۵: عدم توجه مسئولان به ورزش زنان
	مؤلفه ۶: ترسیدن از آسیب های جسمی ناشی از ورزش
	مؤلفه ۷: نبود الگوهای موفق ورزش زنان در جامعه
موانع فرهنگی	مؤلفه ۸: رعایت شئونات اسلامی و حفظ حجاب
	مؤلفه ۹: وجود فرهنگ مرد محوری در جامعه ورزش
	مؤلفه ۱۰: مزاحمت از جانب دیگران در مسیر رفت و برگشت (ترس از بیرون ماندن از خانه هنگام تاریکی)
	مؤلفه ۱۱: نگرانی از نگرش منفی دیگران
	مؤلفه ۱۲: ترس از آسیب رسیدن به اعتقادات مذهبی
	مؤلفه ۱۳: وجود تفکر تاثیرات منفی ورزش بر ظاهر زنانه

ادامه جدول ۱. جدول اولیه موانع مؤثر بر ورزش دختران دانشجو

مؤلفه های اصلی	مؤلفه های فرعی
موانع شخصی	مؤلفه ۱۴: محدودیت های مربوط به توانایی جسمی زنان برای انجام برخی از ورزش ها
	مؤلفه ۱۵: کمبود وقت و زمان به علت مشغله زیاد کاری
	مؤلفه ۱۶: کمبود علاقه
	مؤلفه ۱۷: نداشتن انگیزه لازم
	مؤلفه ۱۸: عدم مهارت های لازم
	مؤلفه ۱۹: تنبلی و بی حوصلگی
	مؤلفه ۲۰: خجالتی بودن
موانع خانوادگی	مؤلفه ۲۱: عدم خود اعتمادی و خودباوری زنان
	مؤلفه ۲۲: تعهدات خانوادگی
	مؤلفه ۲۳: مخالفت والدین و همسر با ورزش
	مؤلفه ۲۴: ورزش نکردن اعضای خانواده
	مؤلفه ۲۵: وضعیت اقتصادی خانواده
	مؤلفه ۲۶: مراقبت از فرزند و وظایف خانه داری
موانع امکاناتی و اقتصادی	مؤلفه ۲۷: ترس والدین از افت تحصیلی دختران
	مؤلفه ۲۸: کمبود وسایل نقلیه و حمل و نقل
	مؤلفه ۲۹: عدم دسترسی به فضاها و سالن های مناسب ورزشی زنان
	مؤلفه ۳۰: کمبود و گرانی وسایل ورزشی زنان
	مؤلفه ۳۱: نامناسب بودن وقت فعالیت امکان ورزشی
	مؤلفه ۳۲: عدم سرمایه گذاری لازم در توسعه اماکن ورزشی زنان
	مؤلفه ۳۳: گرانی هزینه شرکت در فعالیت های ورزشی مربوط به زنان (لباس و ...)

تجزیه و تحلیل نتایج تحقیق

تحلیل آماری داده ها

در این بخش داده های گردآوری شده از دیدگاه آمار توصیفی و سپس با آزمون های آماری بررسی شد. بررسی های آماری با روش های آزمون فرض آماری و تحلیل واریانس انجام شد.

برای بررسی فرضیه های ۱-۱ تا ۱-۵ ، آزمون فرض آماری به کار رفت که یافته های آن در جدول ۲ آمده است و همچنان که دیده می شود، نشان دهنده درستی همه فرضیه هاست، یعنی هر کدام از پنج دسته موانع اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، شخصی و امکاناتی - اقتصادی در عدم گرایش دختران دانشجو به ورزش مؤثرند.

جدول ۲. یافته های به دست آمده از بررسی فرضیه های ۱-۱ تا ۱-۷

فرضیه	آماره آزمون	سطح معنی داری	تصمیم گیری
۱-۱	۴/۶۲۷	۰/۰۰۰	درستی فرضیه
۱-۲	۲/۲۴۳	۰/۰۲۷	درستی فرضیه
۱-۳	۲/۴۷۲	۰/۰۱۵	درستی فرضیه
۱-۴	۸/۶۹۴	۰/۰۰۰	درستی فرضیه
۱-۵	۹/۶۰۲	۰/۰۰۰	درستی فرضیه

اینک این پرسش پیش می آید که آیا تاثیر این پنج دسته از موانع یکسان است؟ برای پاسخ به این پرسش، فرضیه ۲ باید آزموده شود. برای آزمون این فرضیه، روش آماری تحلیل واریانس (ANOVA) به کار رفت. یافته های این آزمون در جدول ۳ آمده است. همچنان که دیده می شود، تفاوت میان میزان تاثیر پنج دسته از موانع معنادار است، یعنی تاثیر این پنج دسته از موانع بر ورزش دختران دانشجوی دانشگاه یزد یکسان نیست.

جدول ۳. یافته های بررسی فرضیه ۲

گروه عامل ها	آماره آزمون (F)	درجه آزادی	سطح معناداری
اجتماعی	۲۵/۵۱۶	۴	۰/۰۰
فرهنگی			
خانوادگی			
شخصی			
امکاناتی - اقتصادی			

همان طور که در بخش ابزار گردآوری داده های پژوهش ذکر شد، جداول اولیه سلسله موانع مؤثر بر ورزش دختران دانشجو با استفاده از نظر کارشناسان و استادان در ۵ بعد و ۳۳ مؤلفه تنظیم شده بود. از این رو، در این بخش بر آنیم تا با استفاده از آزمون یک طرفه تی - استیودنت، میزان تاثیرگذاری هر یک از این ۳۳ مؤلفه را بررسی و در پایان درخت نهایی سلسله مراتب موانع مؤثر بر ورزش دختران دانشجو را ترسیم کنیم.

همانطور که نتایج حاصل از بررسی جدول ۴ نشان می دهد، از ۳۳ مؤلفه در نظر گرفته شده فقط ۲۸ مؤلفه در موانع ورزش دختران دانشجوی دانشگاه یزد مؤثرند. بنابراین با حذف مؤلفه های بی اثر در موانع ورزش دختران دانشجو، درخت نهایی سلسله مراتب موانع مؤثر بر ورزش دختران دانشجوی دانشگاه یزد به شکل نمودار ۱ تغییر می یابد.

جدول ۴. نتایج حاصل از بررسی میزان تاثیرگذاری مؤلفه های موانع ورزش دختران دانشجو

شماره مؤلفه	آماره آزمون	سطح معنی داری	تصمیم گیری
مؤلفه ۱	۱/۶۸	۰/۰۹۵	اثربخش نبودن مؤلفه
مؤلفه ۲	۴/۹۸۹	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۳	۴/۴۰۷	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۴	۳/۹۲۳	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۵	۴/۴۸۸	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۶	-۰/۱۸۶۳	۰/۳۹	اثربخش نبودن مؤلفه
مؤلفه ۷	۲/۷۶	۰/۰۰۷	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۸	۱/۱۰۲	-۰/۲۷۳	اثربخش نبودن مؤلفه
مؤلفه ۹	۴/۹۸۴	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۱۰	۳/۷۰۱	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۱۱	۳/۳۸۴	۰/۰۰۱	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۱۲	۷/۲۷	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۱۳	۳/۵۹۶	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۱۴	۰/۴۰۲	۰/۶۸۹	اثربخش نبودن مؤلفه
مؤلفه ۱۵	۴/۵۲۵	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۱۶	۵/۶۲۵	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۱۷	۳/۴۴۳	۰/۰۰۱	اثربخش بودن مؤلفه

ادامه جدول ۴. نتایج حاصل از بررسی میزان تاثیرگذاری مؤلفه های موانع ورزش دختران دانشجو

شماره مؤلفه	آماره آزمون	سطح معنی داری	تصمیم گیری
مؤلفه ۱۸	۱/۱۹	۰/۲۳۶	اثربخش نبودن مؤلفه
مؤلفه ۱۹	۳/۱۹۷	۰/۰۰۲	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۲۰	۵/۲۹۸	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۲۱	۲/۷۴۱	۰/۰۰۷	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۲۲	۳/۸۱۲	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۲۳	۵/۵۹۸	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۲۴	۲/۶۵۶	۰/۰۱۳	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۲۵	۲/۲۸۵	۰/۰۴۲	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۲۶	۳/۱۱۸	۰/۰۰۳	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۲۷	-۲/۴۵۷	۰/۰۱۵	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۲۸	۴/۷۹	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۲۹	۱۲/۱۵۳	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۳۰	۸/۴۷۸	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۳۱	۶/۹۲۹	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۳۲	۸/۸۳۹	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه
مؤلفه ۳۳	۵/۰۳۵	۰/۰۰۰	اثربخش بودن مؤلفه



شکل ۱. درخت نهایی سلسله مراتب عوامل بازدارنده ورزش دختران دانشجوی

بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان می دهد که موانع در پنج دسته کلی، در انجام فعالیت های ورزشی توسط دختران دانشجوی دانشگاهی یزد مؤثرند. این موانع عبارتند از: اجتماعی، فرهنگی، شخصی، خانوادگی و امکاناتی - اقتصادی.

در این تحقیق به علت اهمیت و همچنین قابل تفکیک بودن مؤلفه های مؤثر بر حضور کمتر زنان در عرصه فعالیت های ورزشی، موانع اجتماعی و فرهنگی به صورت مستقل از یکدیگر آورده شده اند.

در موانع اجتماعی، عدم حمایت گروه های دوستان، مراکز آموزشی، رسانه های جمعی، توجه کمتر مسئولان به ورزش زنان و نبود الگوی موفق ورزشی در قشر زنان، موجب شده است تا دختران دانشجوی تمایل کمتری به مشارکت در فعالیت های ورزشی داشته باشند. این یافته ها با نتایج تحقیقات سرلی و جکسو، احسانی و همکارانش و همچنین تحقیق مهدی پور و عتیقه چی همخوانی دارد. در راستای رفع این موارد، ایجاد مسابقات ورزشی ویژه زنان در سطح دانشگاه ها، منطقه ای، ملی، معرفی و تجلیل از ورزشکاران موفق این دوره ها، تبلیغات گسترده تر رسانه های جمعی در زمینه ورزش بانوان، در توسعه ورزش زنان با توجه به ویژگی خاص جامعه ایران، مؤثر خواهد بود.

موانع فرهنگی از جمله موانع مهمی اند که تاثیر عمیقی بر کاهش سطح حضور زنان ایرانی در ورزش دارند. وجود فرهنگ مرد محوری در جامعه ورزش، ترس از آسیب رسیدن به اعتقادهای مذهبی، وجود تفکر تاثیرات منفی ورزشی بر ظاهر زنانه و ...، از مؤلفه های فرهنگی مؤثر در این زمینه اند. در مطالعات پیشین به طور واضح و مشخص و به تفکیک مؤلفه ها موانع فرهنگی بررسی نشده است. بعضی از تحقیقات به موانع فرهنگی در قالب موانع اجتماعی اشاره شده است. از جمله این تحقیقات می توان به تحقیقات مهدی پور، عتیقه چی و عابدین زاده اشاره کرد.

در راستای رفع موانع فرهنگی، سازمان های فرهنگ ساز جامعه از جمله آموزش و پرورش، صدا و سیما و ... باید گام هایی را در جهت اصلاح دید جامعه نسبت به زنان ورزشکار بردارند. همچنین تلاش گسترده نیروی انتظامی در راستای ایمن ساختن محیط های پیرامون اماکن ورزشی زنان نیز تاثیر بسزایی در افزایش سهم مشارکت زنان در ورزش دارد.

در دسته موانع شخصی، برخی از مؤلفه های تاثیرگذار بر ورزش زنان عبارتند از: کمبود وقت و زمان به علت مشغله زیاد کاری، کمبود علاقه، عدم خوداعتمادی و خودباوری زنان و ... که آموزش خانواده ها، مدارس و مراکز آموزشی برای تقویت بنیان های شخصیتی زنان در بلند مدت در افزایش سهم مشارکت ورزش زنان ضروری به نظر می رسد در این تحقیق به پاره ای از این عوامل پرداخته شد (۲۱، ۱۹، ۲۰، ۱۶، ۲۲).

خانواده‌ها در جامعه ایران با توجه به بستر خاص حاکم بر آن، از سوی دانشجویان دختر به عنوان یکی از موانع مؤثر بر کاهش سطح ورزش زنان شناخته شده‌اند. مخالفت والدین و همسر با ورزش زنان، وضعیت اقتصادی خانواده، مراقبت از فرزند، ترس والدین از افت تحصیلی و ...، از جمله عوامل مؤثر در این زمینه‌اند. آموزش‌های مستمر و بلندمدت از جانب صدا و سیما، مراکز آموزشی و ... می‌تواند وضعیت ورزش زنان را در این بعد بهبود بخشد.

موانع امکاناتی - اقتصادی نیز از جمله موانعی‌اند که تاثیر مثبتی بر کاهش سطح ورزش زنان دارند. در این بعد عواملی همچون کمبود وسایل نقلیه و حمل و نقل، عدم دسترسی به فضاها و سالن‌های مناسب ورزشی زنان، عدم سرمایه‌گذاری لازم در توسعه اماکن ورزشی زنان و ... بر عدم مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی مؤثرند. در راستای بهبود وضعیت زنان در این بعد، حمایت از ساخت اماکن ورزشی ویژه زنان از طریق اعطای وام‌های بلندمدت و بهره‌کم، ایجاد کانون‌های ورزشی زنان و فروش لوازم ورزشی زنان با قیمت مناسب در این کانون‌ها و ... راهگشا خواهد بود.

در مجموع در مقایسه با تحقیقات قبلی انجام شده در این زمینه، می‌توان گفت که بیشتر پژوهش‌ها، گستره محدودی از عوامل را شناسایی و مورد تحلیل قرار داده‌اند و دسته‌بندی دقیقی در مورد این موانع انجام نگرفته است. اما در این پژوهش سعی شد تا با شناسایی بیشتر موانع، دسته‌بندی قابل قبولی نیز بر روی این موانع انجام گیرد که از ویژگی‌های منحصر به فرد این تحقیق است.

در پایان برای غنای بیشتر و امکان تعمیم نتایج به سطح ملی، پیشنهاد می‌شود تا این تحقیق در گستره وسیع‌تری از جامعه زنان انجام شود و با استفاده از رویکرد فازی، تحلیل‌های دقیق‌تری صورت گیرد.

منابع و مأخذ

۱. احسانی، محمد؛ عزب دفتران، مریم. (۱۳۸۲). "بررسی عامل‌های بازدارنده مشارکت فعالیت‌های ورزشی دختران دانشجو در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان"، فصلنامه المپیک، سال یازدهم، شماره ۳ و ۴ (پیاپی ۲۴).
۲. تندنویس، فریدون. (۱۳۷۵). "نحوه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه‌های کشور با تاکید بر فعالیت‌های ورزشی"، پایان‌نامه دکتری مدیریت تربیت بدنی، دانشگاه تهران.
۳. رحمانی، بیژن. (۱۳۷۳). "جغرافیای ورزش"، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران.
۴. سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی، (۱۳۸۲). مطالعات تفصیلی توسعه فرهنگ ورزش.

۵. عابدین زاده آستارایی نو. (۱۳۷۰). "بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت دانش آموزان دختر دبیرستانی منطقه ۱۷ آموزش و پرورش تهران". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
۶. عتیقه چی، (۱۳۷۴). "بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویانی دختر دانشگاه های زنجان با تاکید بر نقش تربیت بدنی"، پایان نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
۷. مظفری، سیدامیر؛ قره، محمدعلی. (۱۳۸۴). "وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب جهان". نشریه علوم حرکتی و ورزش، جلد اول، شماره ۶، ۱۷۱-۱۵۱.
۸. مهدی پور، ع.ر. (۱۳۷۲). "بررسی تربیت بدنی و ورزش در گذران اوقات فراغت دانشجویان پسر دانشگاه های تهران". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. نیکپور، صغری؛ رحیمی ها، فهیمه؛ حقانی، حمید. (۱۳۸۵). "مقایسه وضعیت فعالیت های ورزشی زنان مردان شاغل در دانشگاه علوم پزشکی - خدمات درمانی ایران"، سال ۱۳۸۳، مجله دانشگاه علوم پزشکی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۵۲.
۱۰. نیک نژاد، فاطمه. (۱۳۷۵). "نظرخواهی از زنان در مورد ورزش بانوان"، معاونت ورزشی و تربیت بدنی بانوان سازمان تربیت بدنی.
11. Aitchison, Care (2001). "Gender and leisure Research : the Codification" of Knowledge, leisure Sciences. 23(1) ; PP:1-19.
12. Anderssen, N. and Wold, B. (2001). "Parental and peer influences on leisure time physical activity in young adolescents". Research Quarterly for Exercise and sport. 63 ; PP:341-348.
13. Bandura, A. (1997). "Social Learning Theory". Prentice- Hall Englewood Cliffs, N.J.
14. Deem, R. (1982). "Women Leisure and inequality". Leisure studies, 1: PP:29-46.
15. Dixey, R. and M. Tallbot. (1982). "Women leisure and bingo", Trinity and all saints college leeds.
16. Ehsani M. (2002). "Level of participation of women in Iran and leisure constraints". L.S.A. conference . Leisure : Our common wealth? July, Perston, Manchester, England.

17. Ehsani . M. Hardman, K & CCarrol. B. (1996). "A comparative study of leisure coxstrmint factors on the sporting activity English and Iranian students". Annual comparative conference in Tokyo, Japan, Sept.
18. Ehsani, M. (2001). "Leisure constraint factors on the recreational sporting activities of participants and non-participants" L.S.A. conference Journeys in Leisure London, England.
19. Eyler, A., Brownson, R.,King . A. Brown, D., et al. (1997). "Physical activity and women in the United States : An overview of health prevalence and intervention opportunities". *Women and Health* . 26; PP:27-50.
20. Handerson, K.A., Ainsworth T.E.B. (2001). "Researching Leisure and Physical Activity women of color Issues and Emerging Questions". *Leisure Siences* 23 (1) : PP:23-31.
21. Handerso, K.A.D. Stalnker and Gtaylor (1998). "The relationship between barriers to recreation and Gender-Role personality traits for women". *Journal of Leisure Research*. 1 : PP:69-80.
22. Holzwheher , F (2002). "Sport for all a social change and fitness development". *Institute of sport science*. Vienna University; Austria.
23. Kenyon, G. S., and Mcpherson, B.D. (2001). "Becoming involved in physical activity and sport: A process of socialization". In *physical Activity : Human Growth and Development*, ed.G.L.Rarick : 303-332.
24. King, A., Blair, S.,Bild . D. Dishman, R., et al. (1999). "Dterterminants of physical activity and interventions in adults". *Medicine and Science in Sports and Exercise*. 24: s221-s223.
25. Leslie, E., Owen, N., Salmon, J. Bauman, A., Sallis, J.F., & Sing, Kai Lo (1999). "Insufficiently active Australian college students : perceived personal, social , and environmental influences". *Preventive medicin*. 28 : PP:20-27.
26. Nielsen, AC(2002). "Sport for all, opening doors to everyone", *Austratian Sports Commission*.
27. Palm, Jurgen. (1991). "Sport for all, approaches from utopia reality. Verloy Kar Hofmann", *Federal Republic of Germany*.
28. Palm, Jurgen, and Wolfyang, Baumann (2002). "Sport for all as s departure into unknown lands of sport". *Heusenstamm, Germany*.

29. Romsa, G and W. Hofman (1980). "An application of nonparametric data recreation research testing their opportunity theory". *Journal of Leisure. Research* 12: PP:321-328.
30. Rowland , T.W. & Freedson, P.S. (1994). "Physical activity , fitness , and health in children : A close look pediatrics". 93 : PP:669-672.
31. Sallis, J.F., Hovell, m.F, Hofstetter, C.R.(1999). "Predictors of adoption and maintenance of vigorous physical activity in men and women". *Preventive Medicine*. 21 : PP:237-251.
32. Searle, M.S. and E.L. Jackson (1985). "Recreation and nonparticipation and barriers to participation considerations for management of recreation delivery system". *Journal of Recreation and park Administration*. 3 : PP:23-35.
33. Shaw. M.S. and Dawson. D. (2001). "Purposive leisure: Examining parental Discourses on Family Activities", *Leisure Sciences* , 23(4) : PP:217-231.
34. Snyder, E. and Spreitzer, E. (1983). "Social Aspects of Sport". Prentice – Hall, Englewood Cliffs, N.J. 89.
35. Spreitzer, E and Snyder, E. (1996). "Socialization into sport : An exploratory path analysis". *Research Quarterly*. 47; PP:238-245.
36. Weiss, M.R (1993). "Psychology effects of intensive sport participation on children and youth : self-esteem".